

میر مهنا و هلندی‌ها در خلیج فارس

عباس پناهی

دانشجوی دکتری تاریخ

گروه تاریخ دانشگاه آزاد اسلامی واحد تنکابن

مقدمه

خلیج فارس یکی از مهمترین و پرحادثه‌خیزترین مناطق جهان است. این دریا به دلیل اهمیت سیاسی و تجاری آن همیشه مورد توجه سلاطین و ماجراجویان و تجار جهان بوده است. پس از سقوط بیزانس توسط ترکان عثمانی، اروپاییان برای ارتباط با مشرق زمین قاره آفریقا را دور زده به اقیانوس هند و سپس به خلیج فارس رسیدند. پس از پرتغالی‌ها هلندی‌ها از جمله اروپاییانی بودند که درصدد تجارت با مشرق زمین افتادند. در نتیجه پادشاه این کشور با تلفیق شرکت‌های تجاری، کمپانی هند شرقی هلند را تأسیس نموده و با تصرف «باتاویا» (اندونزی) این جزیره را پایگاه فعالیت‌های استعماری خود قرار دادند.

هلندی در عصر شاه عباس توانستند امتیازاتی از او کسب نمایند، اما رونق تجارت آنها به عصر شاه صفی و دیگر شاهان صفوی باز می‌گردد. اما سقوط اصفهان به آنها ضربه‌ای اساسی وارد آورد و در عصر افشاریه نیز به موفقیت‌های تجاری درخشانی دست نیافتند.



در عصر زندیه پایگاه تجاری آنها در بصره از رونق زیادی برخوردار بود. اما به جهت سعایت حاکم بصره، سبب اخراج اعضای کمپانی شد، این مسئله سبب شد تا آنها با کمک نیروی نظامی ابتدا خارک را تصرف نموده و بصره را تحت فشار قرار دهند. بعدها جزیره خارک پایگاه اقتصادی و تجاری آنها شد به طوری که به مدت دوازده سال انحصار تجارت خلیج فارس را در اختیار خود قرار دادند، این رؤیای آنها چندان به درازا نکشید. زیرا هرج و مرج های سیاسی ایران سبب شد تا میر مهنا که خواهان تسلط بر خلیج فارس و به ویژه جزیره خارک بود آنها را از این جزیره بیرون نماید. میر مهنا تنها عامل خروج آنها نبود بلکه مجموعه عوامل مختلف نظیر ضعف کمپانی، قدرت گیری انگلیسی ها، هرج و مرج ناشی از جنگ های داخلی در ایران به خروج هلندی ها از خلیج فارس کمک کرد.

خوشبختانه اسناد و مدارک زیادی درباره حضور هلندی ها در خلیج فارس باقی مانده است. مورخان ایرانی عصر صفویه، افشاریه و زندیه گزارش های کوتاهی درباره هلندی ها ارائه داده اند. اما اسناد و گزارش های کمپانی هند شرقی هلند درباره نقش تجاری و سیاسی هلند و خلیج فارس از اهمیت زیادی برخوردار است. برخی از این یادداشت ها و گزارش ها توسط ویلم فلور چاپ و منتشر شده است و بخشی دیگر در آرشیو هلند موجود است. محقق سعی دارد با توجه به اسناد و گزارش های منتشر شده به تحلیل و بررسی موضوع مورد نظر بپردازد.

خلیج فارس و اهمیت آن

خلیج فارس یکی از شناخته شده ترین و کهن ترین دریا های جهان باستان است. اهمیت این دریا را زمانی می توان پی برد که تمدن های بزرگ نظیر موهنجودارو، بابل، اکد، سومر، عیلام در نزدیکی آن شکل گرفته اند و به احتمال زیاد از طریق آن با یکدیگر در تبادل اقتصادی و فرهنگی بودند. از نظر زمین شناسی خلیج فارس در حقیقت یک فرورفتگی بزرگ طبیعی است که از دوران سوم زمین شناسی با قدمتی بیش از سی میلیون سال پیش پدید آمده است. این دریا به محض تشکیل تمدن های بزرگ نقش مهمی در مبادلات اقتصادی، سیاسی و اجتماعی بین آن تمدن ها ایفا نمودند.



در دورهٔ هخامنشیان خلیج فارس با نام «سینوس پرسیکوس» (sinus pericus) «مره پرسیکوم» (mare persicum) در جهان جغرافیایی شهرت داشته است. این نامگذاری‌ها به تمام زبان‌های کهن و جدید جهان وارد شد و در دنیای جدید نیز وارد فرهنگ‌ها و زبان‌های ملل دیگر شده است. ممالک و مسالک نویسان، مورخان و جغرافیدانان عربی و ایرانی نیز از این دریا تحت عنوان دریای پارس، بحر عجم و خلیج فارس نام برده‌اند.^۱

اولین سوداگران اروپایی که به خلیج فارس راه یافتند پرتغالی‌ها بودند. آنها در سال ۹۱۱ق/ ۱۵۰۵م توسط آلبو کرک توانستند پس از تسلط بر جزیرهٔ هرمز نبض اقتصادی و سیاسی خلیج فارس را در دست گیرند.^۲ پس از اخراج آنها توسط شاه عباس به ترتیب انگلیسی‌ها، هلندی‌ها و فرانسوی‌ها مدتی خلیج فارس را جولانگاه خود نمودند. قرن هفدهم هلند نقش مهمی در تجارت خلیج فارس داشت. اما از قرن هجدهم انگلیسی‌ها توانستند رقبای سیاسی و اقتصادی خود را از خلیج فارس بیرون نموده و قدرت سیاسی و اقتصادی را در خلیج فارس بدست گیرند.^۳ لرد کرزن در فصل بیست و هفدهم کتاب *ایران و قضیهٔ ایران* دربارهٔ نام خلیج فارس و اهمیت آن می‌نویسد: «در انگلستان مردم دربارهٔ خلیج فارس فکر می‌کنند که بخشی در شمال این دریا در اختیار ایرانی‌ها و بخش‌های جنوبی آن صاحب معینی ندارد. وظیفهٔ مأموران انگلیسی حفظ منابع اتباع و حمایت از تجارت انگلستان است.»

او همچنین دربارهٔ خلیج فارس اشاره می‌کند که بسیاری از سیاحان و اروپاییان نظیر پیترو دولاوله، پورکار و برادران شرلی و نویسندگان قدیم ایرانی و عرب مانند ابن بطوطه و غیره دربارهٔ خلیج فارس و اهمیت اقتصادی و سیاسی آن گزارش‌های ارزنده‌ای ارائه داده‌اند. او در ادامه می‌نویسد: «از قدیم‌ترین ایام خلیج فارس به تناوب نقش ممتازی در صحنهٔ تاریخ احرار کرده است.»^۴ چنین شرایطی سبب شده است که خلیج فارس از دوران‌های قدیم تا عصر جدید تبدیل به یکی از کانون‌های مهم سیاسی و اقتصادی جهان شود و تسلط بر آن منازعات زیادی را فراهم آورد.



حضور هلندی‌ها در خلیج فارس در عصر صفوی و افشاریه

به جرئت می‌توان یکی از مهم‌ترین پیامدهای تصرف بیزانس توسط عثمانی‌ها را کشف راه‌های جدید دریایی توسط اروپایی‌ها عنوان نمود. اروپایی‌ها همواره در اسطوره‌ها و حماسه‌های خود تجارت با مشرق زمین را در سر می‌پروراندند. بنابراین پس از بسته شدن راه تجارت زمینی مشرق زمین توسط ترکان عثمانی به فکر راه‌های جدید دریایی افتادند.^۵ دریانوردان پرتغالی به سرعت توانستند در سال ۱۴۸۶م برابر با ۸۹۲ق از دماغه امید نیک گذشته و به اقیانوس هند وارد شوند. سرانجام آلفونسو د‌آلبوکرک در سال ۱۵۰۵م/ ۹۱۱ق هرمز را تصرف و پایگاه دریایی خود در خلیج فارس قرار داد.^۶ هر چند پرتغالی‌ها نخستین اروپاییانی بودند که گام در خلیج فارس نهادند اما به زودی سایر اروپاییان ماجراجو برتری دریایی آنها را در خلیج فارس بر هم زدند. هلندی‌ها، انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها به سرعت در خلیج فارس به منظور تجارت و حضور استعماری وارد شدند.

هلندی‌ها در سال ۱۵۸۰ توانستند استقلال خود را از اسپانیا و پرتغال اعلام نمایند و به سرعت نیروی دریایی قدرتمندی تشکیل داده و وارد رقابت دریایی خلیج فارس شدند. آنها پس از استقرار در جزیره جاوه به خلیج فارس راه یافتند.^۷ هلندی‌ها پیش از ورود به مشرق زمین به منظور تجارت چند شرکت تجاری تأسیس نمودند. اما در سال ۱۶۰۲م/ ۱۰۰۸ق به موجب فرمان پادشاه هلند شرکت‌های مختلف تجاری با یکدیگر ادغام شده و شرکتی به نام شرکت هند شرقی هلند «oostindische mpagine(voc)verenigde» تأسیس شد. این شرکت طی بیست سال توانست تمامی مناطق ممتاز تجاری پرتغال را در آسیا و خلیج فارس تصاحب نماید.^۸ شرکت هند شرقی هلند تأثیر زیادی بر روابط تجاری دیگر اروپاییان داشت. زیرا به تأثیر این شرکت انگلیسی‌ها «کمپانی هند شرقی انگلیس» را به وجود آوردند و فرانسوی‌ها شصت سال بعد شرکتی تحت این عنوان پدید آوردند.^۹ هلندی‌ها پس از اینکه در سال ۱۶۰۳م/ ۱۰۰۹ق ابریشم مصادره شده یک کشتی پرتغالی را به فروش رساندند و سود کلانی عاید آنها شد مصمم به تجارت اقتصادی با ایران شدند اما روابط اقتصادی ایران و هلند با وجود تلاش‌های زیادی که رابرت شرلی در سال ۱۶۱۱م/ ۱۰۱۷ق در اروپا انجام داده بود به نتیجه‌ای دلخواه نرسیدند. زیرا هلندی‌ها



در تجارت با ایران مصمم نبودند و از خطرات احتمالی تجارت دریایی با ایران می‌ترسیدند. نفوذ روز افزون تجارت انگلیسی‌ها با ایران سبب شد تا هلندی‌ها سرانجام در سال ۱۶۲۳ م / ۱۰۳۲ ق تجارتخانه‌ای در بندرعباس توسط «ویس نیخ» (Hubest visnich) تأسیس نمایند. شاه عباس نیز با تأسیس نمایندگی شرکت هند شرقی هلند به دلیل جنگ‌های پی در پی که با عثمانی داشت مخالفتی نکرد.^{۱۰} برای تأیید شاه، هلندی‌ها سرانجام توسط نماینده خود توانستند موافقت‌نامه‌ای با شاه عباس منعقد نمایند. هدف شاه عباس از انعقاد قرارداد این بود که انگلیس‌ها را در مقابل هلندی‌ها قرار دهد به موجب این قرارداد آنها مجاز بودند در سراسر ایران آزادانه به تجارت بپردازند.^{۱۱}

پس از این مذاکرات بین نماینده کمپانی و شاه عباس قرار شد که موسی‌بیگ از سوی ایران به عنوان سفیر به هلند مسافرت و با رؤسای کمپانی و پادشاه هلند مذاکره نماید. از پیامدهای مسافرت همچون دیگر سفارت‌های عصر صفوی نتیجه‌ای حاصل نشد و پایانی جزء ناکامی نداشت و در نهایت روابط ایران و هلند جزء مبادله سفرا و گفتگوهای سیاسی نتیجه‌ای برای دولت ایران به همراه نیاورد. زیرا هلندی‌ها بسیار محافظه‌کار بودند و با وجود علاقه زیاد شاه عباس برای اتحاد با هلند به منظور جنگ با پرتغال و عثمانی، هلندی‌ها حاضر به این کار نبودند زیرا تجارت و منافع اقتصادی آنها با عثمانی و دیگر کشورها سبب شد تا آنها در روابط خود با شاه عباس بسیار آرام حرکت نمایند. مهمترین نتایج مسافرت موسی‌بیگ به هلند، آوردن تعدادی هنرمند هلندی به ایران بود که سبب ترویج نقاشی فرنگی در ایران شدند. مراجعت هیئت ایرانی و ورود نماینده ایران و (یان اسمیت) هلندی مصادف با مرگ شاه عباس ۱۰۳۸ ق / ۱۶۲۹ م در اشرف بود.

سفرنامه یان اسمیت گزارش خوبی از اوضاع و احوال ایران در این سال‌ها بویژه فعالیت کمپانی هند شرقی هلند و نمایندگان آن ارائه داده است.^{۱۲} مرحوم نوائی درباره روابط ایران و هلند در عصر شاه عباس معتقد است هر چند این روابط برای طرفین فواید زیادی دربرداشت اما دو اثر فرهنگی مهم از این رفت و آمدها پدید آمد. نخست آنکه نقاشان ایرانی با نقاشان هلندی آشنا شدند و تأثیرهای زیادی در فنون نقاشی و سبک‌های یکدیگر نهادند و دیگر آنکه سفرنامه یان



اسمیت اوضاع سالهای پایانی عصر شاه عباس و سالهای نخستین شاه صفی را به خوبی انعکاس داده است.^{۱۳} در عصر شاه صفی هلندی توانستند امتیازات اقتصادی و تجاری ارزشمندی به دست آورند. هلندی‌ها در این زمان موفق شدند انحصار تجارت دریایی خلیج فارس را بدست گیرند، با توجه به رونق تجاری ابریشم در مبادلات اقتصادی هلندی‌ها برای انحصار تجاری این کالا ابتدا بطور غیر واقعی قیمت آن را بالا بردند و پس از خارج نمودن رقبای تجاری، قیمت ابریشم را پائین آوردند. آنها برای اینکه این برنامه اقتصادی خود را اجرا نمایند و واردات و صادرات ایران را در انحصار خود قرار دهند ابتدا انحصار تجارت ادویه را در خلیج فارس بدست گرفتند و حمل کالاهای تجارتی را صرفاً به کشتی‌های هلندی اختصاص دادند پس از اطلاع شاه صفی از اقدامات ریاکارانه هلند، شاه صفی دستور داد تا از کالاهای وارداتی هلندی‌ها حقوق و عوارض گمرکی دریافت شود زیرا اقدام هلندی‌ها نسبت به افزایش قیمت ابریشم باعث شده بود تا سفارت هیئت اعزامی دوک هلشتاین ناموفق شود. پس از عزیمت آنها هلندی‌ها قیمت ابریشم را کاهش داده بودند.^{۱۴} در طول دوران شاه صفی روابط شاه صفی و هلندی‌ها تیره بود این روابط سرد سبب شد تا در سال ۱۶۴۵م/ ۱۰۵۵ق هلندی‌ها در سومین سال پادشاهی شاه عباس دوم به جزیره قشم، هرمز و بندر عباس حمله کردند. و دولت ایران را مجبور به انعقاد معاهده‌ای کردند که به موجب آن هلندی‌ها بتوانند آزادانه به تجارت ابریشم در ایران بپردازند و از پرداخت حقوق گمرکی معاف شوند. این امتیازات سبب شد تا هلندی‌ها قدرت زیادی کسب نمایند و در پی آنها هلندی‌ها پرتغالی‌ها را از مسقط بیرون رانده و تجارت خانه انگلیسی‌ها را در بصره به توپ بستند.

هلندی‌ها در این زمان بزرگترین قدرت دریایی خلیج فارس محسوب می شدند اما در سال ۱۶۵۴م/ ۱۰۶۰ق پس از شکست از ناوگان دریایی انگلیسی در اروپا موقعیت دریایی و تجاری آنها در خلیج فارس لطمه دید و هلندی‌ها به موجب معاهده «فرمان کشتیرانی» سیادت دریایی انگلستان را به رسمیت شناخت. با این حال در طی قرن هفدهم تجارت دریایی هلندی‌ها در خلیج فارس از رونق برخوردار بود.^{۱۵} در سالهای پایانی حکومت شاه عباس دوم نماینده کمپانی هند شرقی هلند در باتاویا تلاش های زیادی برای بهبود روابط تجاری با ایران به عمل آورد اما مرگ شاه عباس دوم مانع قرارداد جدیدی شد، بنابراین نماینده کمپانی توانست موافقت شاه



سلیمان را دربارهٔ قراردادهای عصر شاه عباس دوم را بدست آورد اما دامنهٔ تجارت هلندی‌ها در این زمان بسیار محدودتر از گذشته شد ضعف هلند ناشی از دو عامل بود: عامل اول قدرت‌گیری رقبای اروپایی نظیر انگلستان و فرانسه و عامل دوم جنگهای هلند در اروپا با سایر دولتهای اروپایی بود. این عوامل سبب کاهش تجارت آنها با ایران شد از سوی دیگر هلندی‌ها از ابریشم ایران چندان راضی نبودند زیرا به گفتهٔ سانسون ابریشم ایران به اندازه‌ای نامرغوب شده بود که آنها ابریشم را در باتاویا برای تهیهٔ طناب و افسار اسب بکار می بردند^{۱۶} علی‌رغم تلاش‌های نظامی که هلندی برای تصرف بندرعباس و قشم به عمل آوردند تا از طریق فشار نیروی نظامی امتیازاتی بدست آورند، موفقیت‌های تجاری آنها از دورهٔ شاه سلیمان رو به بعد به افول بود. در عصر شاه سلطان حسین نماینده‌ای از هلند به ایران آمد و خواستار تجدید امتیازات هلندی‌ها شد. شاه نیز برای دریافت کمک نظامی از هلندی‌ها تسهیلاتی را در اختیار آنها قرار داد اما هلندی‌ها هرگز مانند دوره‌های پیش راضی به کمک دریایی و نظامی به ایران نشدند. پس از اینکه اعراب به بندرعباس حمله کردند ایران از هلندی‌ها درخواست نمود تا با کمک ناوگان هلند مهاجمین را سرکوب نمایند. اما سفیر هلند مؤدبانه پاسخ داد که اجازهٔ چنین اقدامی را ندارد.^{۱۷} این مسئله سبب شد تا موقعیت هلند در دربار رو به زوال صفوی کم شود، بنابراین نمایندگی سفارت هلند در اصفهان کانون توطئه‌های سیاسی علیه سایر اروپاییان بویژه انگلیسی‌ها شد.^{۱۸} پس از سقوط دولت صفوی نیز هلندی‌ها تلاش‌های زیادی برای نجات از دست افغانها انجام دادند.^{۱۹} پس از سقوط سلسلهٔ صفوی، در دورهٔ تسلط افغانها در ایران و عصر افشاریه تجارت هلندی‌ها مسیر رو به زوالی پیمود. هر چند اوضاع سیاسی آشوب زدهٔ ایران به تجارت هلند ضربهٔ زیادی وارد کرد، اما با توجه به تحولات تجاری هلندی‌ها در خلیج فارس می توان به این نتیجه رسید که همزمان با ضعف دولت صفوی تجارت هلندی‌ها نیز مسیر رو به زوالی را آغاز کرده بود زیرا هلندی‌ها در قرن هجدهم در برابر رقبای قدرتمند اروپایی نظیر انگلستان و فرانسه نتوانستند مقاومت نمایند. زیرا فرانسه و انگلستان سیاست استعماری قدرتمندی بر مبنای نیروی دریایی و مستعمراتی خود آغاز نمودند و هلندی‌ها قادر نبودند در برابر آنها اقدامی نمایند، در این میان انگلیسی‌ها توانستند



اندک اندک نفوذ زیادی در هند و سواحل ایران پیدا نمایند و هلندی‌ها مجبور شدند به بصره اکتفا نمایند.

روابط تجاری و سیاسی هلندی‌ها در عصر نادری هنوز کم و بیش باقی بود گرچه انگلیسی‌ها نقش زیادی در تأسیس نیروی دریایی نادر داشتند اما هلندی‌ها برای اینکه از روابط استعماری با دیگر مدعیان عقب نمانند، گه گاهی مساعدتهای نظامی و دریایی به نادر شاه داشتند. بنابراین آنها از این طریق توانستند انحصار تجارت ادویه ایران را همچنان در دست خود نگهدارند، انگلیسی‌ها نیز به نقش مهم تجاری هلند با ایران اشاره دارند و علت این موفقیت آنها در داد و ستد با ایرانیان را ناشی از تجربیات دراز مدت آنها با توده ای مختلف جامعه ایرانی دانستند. «لکهارت» عامل موفقیت کمپانی هند شرقی هلند را در این دوران، هدایا و پیشکش‌هایی می‌داند که رؤسای کمپانی به مقامات متنفذ ایرانی پرداخت می‌نمودند. این رسم در ایران معمول بوده و هلندی‌ها با آگاهی از آن توانستند موقعیت سیاسی و اقتصادی خود را تثبیت کنند.^{۲۰}

در تأسیس نیروی دریایی نادر علاوه بر جان التون انگلیسی؛ یک هلندی به نام سارو (saro) که در مالابار اقامت داشت تجربیات خود را در اختیار نادر گذاشت.^{۲۱} هانوی در یادداشت‌های روزانه خود به تفصیل درباره قدرت تجاری و سیاسی هلند در ایران سخن گفته است. او می‌نویسد که در بیشتر مناطق ایران از جمله مشهد تا گیلان پارچه های مصرفی آنها از اقمشه هلندی است.^{۲۲}

رفتار سیاسی و تجاری هلندی‌ها به دقت توسط مأموران و نمایندگان سیاسی و تجاری انگلیسی مورد بررسی قرار گرفت و بعدها انگلیسی‌ها با استفاده از تجربیات آنها سیاست استعماری خود را پایه‌گذاری کردند. در مجموع هر چند انگلیسی‌ها سعی در گسترش نفوذ تجاری و سیاسی خود در ایران داشتند اما هلندی‌ها با استفاده از تجربه سیاسی خود توانستند نقش مهمی در این دوره ایفا نمایند و بعدها انگلیسی‌ها با استفاده از این تجربیات سیاسی و تجاری با کمک نیروی دریایی قدرتمند رقیب را از دور خارج کردند.

کمپانی هند شرقی هلند و جزیره خارک

روابط بازرگانی و تجاری هلندی‌ها تا پیش از سال ۱۶۶۵ق/ ۱۷۵۲م از رونق نسبی برخوردار بود و آنها توانسته بودند در دو نقطه خلیج فارس، بصره و بوشهر نمایندگی‌هایی تأسیس نمایند. اما در این زمان به جهت اوضاع آشفته ایران هلندی‌ها نمایندگی خود را در بوشهر تعطیل نموده و مرکز تجاری خود را در بصره قرار دادند. بصره در این زمان بسیار ترقی کرده و رشد بسیاری یافت.^{۲۳}

رونق تجاری کمپانی هند شرق هلند در بصره سبب شد تا حکومت هند هلند در باتاویا (Batavia) یکی از مأموران تجاری خود را به بصره بفرستند. لرد کرزن درباره او معتقد است: «بارون کنیپ هاوزن (baron kniphausen) در زیر ردای بازرگانی شم سیاسی و نبوغ فردی را نهفته داشته است».^{۲۴}

رونق بندر بصره به دلیل اوضاع سیاسی و اجتماعی متشنج جامعه ایران بود. پیش از سقوط اصفهان توسط افغان‌ها بنادر و جزایر ایرانی که ارتباط تجاری با اروپائیان داشتند از رونق خوبی برخوردار بودند، اما سقوط اصفهان و تسلط افغان‌ها و هرج و مرج اوضاع عصر نادری سبب شد تا اروپائیان کم کم بعد از خروج از اصفهان، نمایندگی‌ها خود را حتی در بنادر فعال ایران به دلیل فقدان امنیت تعطیل نمایند، در این میان پاشاهای بغداد تمایل زیادی داشتند که نیروی اقتصادی و بازرگانی اروپائیان را به سوی بصره جذب نماید. «کمپانی هند شرقی هلند» تمایل زیادی به روابط تجاری در حوزه خلیج فارس داشت، بندر بصره را در طی این دوران پایگاه اقتصادی خود قرار داد و از این زمان کشتی‌های هلندی به طور مرتب کالاهای شرق آسیا را از باتاویا به بصره و بالعکس منتقل می کردند و سود سرشاری را نصیب کمپانی می نمودند، رونق شرکت هند شرقی هلند سبب شد که منافع شخصی و طمع مقامات محلی بصره به دوراندیشی سیاسی و تجاری آنها غلبه یابد و به قول مرحوم نوایی «حاکم بصره خواست به گونه‌ای گوش او را ببرد و نیزه‌ای بند کند».^{۲۵}

اما هلندی‌های «کاسب‌منش» و سودپرست زیر بار این خواسته نامشروع حاکم بصره نرفتند، و ویلم فلور که به دقت اسناد مربوط به تجارت هلندی‌ها را در خلیج فارس بررسی کرده است، درباره این موضوع تعمق بیشتری نموده و معتقد است، ریشه اعمال و رفتار حاکم بصره در



اختلافات منطقه ای بین پادشاهی قدیم و جدید بصره و حملات اعراب بنی کعب به بصره داشت او می نویسد، حملات متعدد اعراب بنی کعب به بصره و مسدود نمودن دهانه اروند نقش مهمی در ضعف تجارت بندر بصره داشت، همچنین اختلاف پادشاهی بغداد سبب شد که آنها به امور بصره توجه نکنند و در نهایت حاکم بصره در امور این شهر خودرأی شود. از سوی دیگر بازرگانان بصره از نفوذ و قدرت اقتصادی کمپانی به وحشت افتادند و منافع تجاری خود را در خطر می دیدند از این رو از شخص (هاوزن) ناراضی بودند.^{۲۶} «نیبور» نقش انگلیسی ها را در حذف کمپانی در بصره مهم می داند زیرا انگلیسی ها نیز از نفوذ سیاسی و تجاری هلندی ها در بصره اظهار نگرانی و ترس می کردند.^{۲۷}

عوامل فوق به همراه نفوذ سیاسی و اجتماعی «هاوزن» باعث شد تا حاکم بصره از پاپوش کهنه، ارتباط نامشروع با زنان مسلمان، استفاده نماید و علاوه بر آن، نپرداختن حقوق گمرکی را اضافه نموده و او را به زندان انداخت. حاکم بصره سرانجام از او پنجاه هزار و معاونش سی هزار و دلالش بیست هزار روپیه گرفت و آنها را آزاد نموده از بصره اخراج کرد.^{۲۸} بارون هلندی پس از اخراج از بصره به تاویا رفت تا با کمک از حاکم «هند هلند» با نیروی جنگی انتقام خود را از حاکم بصره بگیرد. هاوزن با کمک دو کشتی جنگی هلندی به سوی بصره حرکت کرد. او برای موفقیت در کار خویش جزیره خارک را تصرف نمود. برای این کار او ابتدا به بندر ریگ عزیمت نمود و با اجازه حاکم آن میر ناصر جزیره خارک را در اختیار خود گرفتند.^{۲۹} برخی معتقدند که هلندی ها با استفاده از نیروی نظامی و بدون اجازه حاکم بندر ریگ خارک را به تصرف در آوردند.^{۳۰}

به هر حال اهمیت تجاری و استراتژیکی بندر خارک سبب شد تا هلندی ها از نقش بسیار مهم آن در تسلط بر خلیج فارس استفاده نمایند. بعدها در قرن نوزدهم بارها انگلیسی ها برای فشار بر حکومت ایران به ویژه در مناطق جنوبی جزیره خارک را اشغال نمودند. یکی از ویژگی های مهم جزیره خارک منابع آب شیرین این جزیره است. بنا به گزارش لرد کرزن؛ «هلندی ها به محض ورود به جزیره خارک قنات های زیرزمینی آب در این جزیره یافت کردند و این مسئله باعث شد تا بتوانند مرکز قدرت نظامی خود را در این جزیره قرار دهند.»^{۳۱} با توجه به ویژگی های سیاسی،



طبیعی و اقتصادی جزیره خارک «هاوزن گزارش مفصلی به باتاویا» ارائه داد تا مرکز تجارت دریایی خلیج فارس کمپانی به خارک منتقل شود.^{۳۲}

استدلال‌های هاوزن در خروج از بصره و انتقال به خارک به دلیل آگاهی‌های سیاسی و تجاری او در ارتباط با تجارت در خلیج فارس بوده است. هاوزن به تجربه آموخته بود که بندر بصره و بوشهر به دلیل اوضاع نابسامان سیاسی و هرج و مرج‌های پی‌در پی ایران و عثمانی چندان قابل اعتماد نیستند. زیرا کمپانی هند شرقی هلند در طی محاصره اصفهان به دست افغان‌ها و هرج و مرج ناشی از مرگ نادر زیان‌های زیادی دیده بود.

از سوی دیگر تجربه هاوزن در بصره سبب شد تا او به این نتیجه برسد تا بجای بنادر مذکور جزیره خارک مرکز تجارت دریایی خلیج فارس قرار گیرد. این جزیره به دلیل منابع آب و نزدیکی به بوشهر، بصره، بندر ریگ، بحرین و قطیف توانست نقش مهمی در مبادلات بازرگانی ایفا نماید.

با توجه به جمعیت خارک پیش از حضور هلندی‌ها و پس از آن می‌توان به اظهار نظر به ادعای هاوزن پی برد.^{۳۳}

بنا به گزارش لرد کرزن پیش از حضور هلندی‌ها این جزیره جمعیتی بیش از چند صد نفر نداشت. در حالی که در طی چند سال جمعیت آن به دوازده هزار رسید.^{۳۴} با توجه به اصرار و استدلال‌های مستند هاوزن از موقعیت و نقش «خارک» کمپانی سرانجام با خواسته او موافقت به عمل آورد و او در سال ۱۷۵۳م/ ۱۱۵۹ق فعالیت کمپانی هند شرقی هلند را در خارک آغاز کرد و این دوره از فعالیت‌های کمپانی دوازده سال به طول می‌انجامد.^{۳۵}

هلندی‌ها پس از استقرار در جزیره خارک با کمک کشتی‌های جنگی که از باتاویا به کمک آنها آمده بودند توانستند با توجه به موقعیت جزیره خارک شرایط را چنان بر حاکم بصره تنگ نمایند که حاکم بصره آنچه از «بارون هاوزن» گرفته بود پس داد. بنابراین بارون هاوزن توانست از او انتقام بگیرد.^{۳۶}



پس از این موفقیت های نظامی «هاوزن» در خارک قلعه هایی بنا کرد و با این اقدام خود درصدد ایجاد پایگاه استعماری در جزیره خارک شد. این اقدامات او سبب شد که هلندی ها خواسته یا ناخواسته وارد منازعات منطقه ای خلیج فارس شوند.^{۳۷}

پس از اینکه هلندی ها توانستند با تکیه بر موقعیت جزیره خارک بر تجارت خلیج فارس مسلط شوند. پس از مدتی با خطر جدیدی به نام میر مهنای بندر ریگی مواجه شدند. میر مهنای توانست خواب آرام هلندی ها را آشفته نماید و رؤیای آنها مبنی بر تسلط خلیج فارس را از بین ببرد.

نقش میر مهنای در خروج هلندی ها از خلیج فارس

میر مهنای یکی از فرزندان میر ناصر بندر ریگی بود و با توجه به شخصیت جاه طلبش او برای رسیدن به قدرت ابتدا پدرش را به قتل رسانده و سپس برادرش میر علی که حکومت بندر ریگ را در اختیار داشت به قتل رساند و به این طریق توانست حکومت در بندر ریگ برای خود دست و پا نماید با توجه به اقداماتی که او انجام داد کریم خان او را به شیراز فراخواند و چون به شخصیت او پی برد نخواست او را دوباره حاکم بندر ریگ نماید اما به شفاعت میرزا محمد بیک خورموجی داماد میر مهنای، خان زند شفاعت سر دار خود را پذیرفت و او را مجدداً به حکومت بندر ریگ منصوب نمود. در پی آن میر مهنای عهد نمود که دست از شرارت و خونخواری بر دارد.^{۳۸} میرزا محمد صادق نامی مؤلف تاریخ گیتی گشا درباره شخصیت میر مهنای می نویسد: «امیر مهنای نظر به شرارت که با آب و گلشن معجون و بنا بر فساد اندیشی که دلش به آن مفتون بود [پس از ورود] به بندر ریگ از شیوه متابعت نکول و از شاهراه عدالت، عدول نموده و در ساحل بحر... به شرارت تند باد خیانت به اوج کیوان رسانید.»^{۳۹}

میر مهنای پس از انتصاب مجدد به بندر ریگ به اذیت و آزار مردم پرداخت. بنابراین کریم خان امیر گونه خان افشار را برای سرکوبی او فرستاد. میر مهنای که در خود توانایی مقابله با سپاهیان زند را نمی دید تمامی اموال خود را در قایق های بادی نهاد و به جزیره خارگو گریخت. اما این جزیره



بدلیل فقدان آب، مسکونی نبود. این مسئله سبب شد تا به جهت غیر مسکونی بودن این جزیره میرمهنا در فکر تصرف جزیره خارک افتد.^{۴۰}

از سوی دیگر اقامت میرمهنا در جزیره خارگو سبب شد تا هلندی‌ها و دیگر حاکمان محلی از مجاورت با او احساس خطر نمایند. هلندی‌ها از شرارت و شخصیت جاه طلب میرمهنا آگاه بودند بنابراین درصدد برآمدند تا با نیروی جنگی میرمهنا را از جزیره خارگو فراری دهند، بنابراین هلندی‌ها به اتفاق شیخ سعدون بوشهری به جزیره خارگو حمله نمودند، اما به علت شجاعت و مقاومت میرمهنا نیروهای هلندی و متحدان او شکست خوردند. میرمهنا پس از این نبرد خارک را محاصره نمود و پس از مدتی توانست بر قلعه هلندی‌ها دست یابد و آنجا را تصرف نماید. سقوط قلعه‌های هلندی‌ها در جزیره خارک در چهارم ژانویه ۱۷۶۶م / ۱۱۸۰ق روی داد.

میرمهنا در طی این نبرد عده زیادی از هلندی‌ها را به قتل رساند و تنها فرمانده قلعه «وان در هلست» (van der Helst) و عده دیگری را امان داده و اجازه رفتن به باتاویا داد. سقوط خارک توسط میرمهنا به معنی پایان حضور هلندی‌ها در خلیج فارس بود، گرچه هلندی‌ها انتظار داشتند به زودی در خلیج فارس حضور یابند. اما هرگز نتوانستند خواسته خود را عملی نمایند.^{۴۱}

مؤلف گیتی‌گشا درباره چگونگی تسلیم هلندی‌ها می نویسد:

«خاک مذلت بر سر و آب حسرت در دیده و آتش غم در دل از قلعه بیرون شتافته، سر بر دایره انقیاد نهادند... سحرگاهان امیر مهنا داخل قلعه فرنگیان شده؛ از نفوذ و امتعه و عقاقیر و اسلحه و اسباب آنچه در قلعه موجود بود تصرف مالکانه کرده...»^{۴۲}

درباره علت تصرف جزیره خارک عده ای بر این عقیده اند که میرمهنا به تحریک انگلیسی‌ها قلعه خارک را تصرف کرده است. این دسته از محققان معتقدند که انگلیسی‌ها درصدد گسترش قدرت اقتصادی و سیاسی در خلیج فارس بودند اما هلندی‌ها را مانعی جدید در سیاست توسعه‌طلبی خود می‌دیدند.^{۴۳} این دیدگاه نتیجه‌گیری چندان قابل اعتمادی نیست زیرا انگلیسی‌ها نیز به نوبه خود تحت فشار میرمهنا در بندر ریگ بودند و زیان‌های زیادی پرداخت نمودند.^{۴۴}



در مجموع گرچه با توجه به منابع و مآخذ گزارشی مستند از دخالت انگلستان در تحریک میر مهنّا به جزیره خارک وجود ندارد، اما برنده واقعی این نبرد انگلیسی‌ها بودند. انگلیسی‌ها پس از نبرد دریایی «مانش» و غلبه بر هلند، تبدیل به قدرت بزرگ دریایی شدند و هر چند هلندی‌ها تا این زمان قدرتی تجاری و دریایی در خلیج فارس محسوب می شدند اما پس از خروج هلندی‌ها از خلیج فارس توسط میر مهنّا، انگلیسی‌ها به مدت بیش از دو قرن قدرت اول دریایی خلیج فارس شدند.

مهمترین دلایلی که سبب شد تا هلندیان نقش تجاری و دریانوردی در خلیج فارس از دست دهند می توان به عوامل زیر خلاصه نمود:

۱- قدرت تجاری کمپانی هند شرقی هلند در خلیج فارس متکی به نیروی دریایی این کشور بود هلند در طی قرن هفدهم از قدرت زیادی برخوردار بود اما پس از شکست در نبرد دریایی در برابر انگلیسی‌ها در قرن هفدهم از اوایل قرن هجدهم تبدیل به قدرت درجه دوم اروپا شد، بنابراین موقعیت سیاسی و نظامی خود را از دست دادند. در حالی که انگلیسی‌ها از اواخر قرن هفدهم به موجب «قانون دریانوردی کرامول» قدرت زیادی یافتند و نقش زیادی در تجارت دریایی جهانی ایفا نمودند ضعف و غروب هلند مصادف با قدرت گیری انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها شد، البته فرانسوی‌ها حضور محسوسی در خلیج فارس نداشتند.

۲- مهمترین پایگاه استعماری هلندی‌ها باتاویا (اندونزی) در شرق آسیا بود و هلندی‌ها از این مرکز به توسعه مبادلات اقتصادی و تجاری دست می‌زدند پس از اخراج «هاوزن» از بصره نیروهای امدادی «باتاویا» توانستند کمپانی هند شرقی هلند را در خارک احیا نمایند. دوری «باتاویا» از خلیج فارس و فقدان پایگاه‌های دریایی مطمئن در خلیج فارس سبب شد تا پایگاه هلندی‌ها در جزیره خارک به راحتی توسط میر مهنّا سقوط نماید در حالی که رقیب آنها انگلیسی‌ها علاوه بر ارتباط با روسای قبایل و حاکمان بندری ایران پایگاه‌های مناسب و نیروی نظامی در هندوستان ایجاد کرده بودند و از طریق این پایگاه‌ها توانستند منافع استعماری خود را در خلیج فارس بسط و گسترش دهند.



۳- کمپانی هند شرقی هلند پس از تصرف جزیره خارک پایگاههای قدیمی و مطمئن خود نظیر بصره، مسقط، بندرعباس، اصفهان، بوشهر را رها کرد و سعی نکرد آنها را احیا نماید. به عنوان نمونه پس از عذرخواهی حاکم بصره از هاوژن او حاضر به صلح نشد بنابراین عدم ارتباط با نواحی ساحلی و پایگاههای قدیمی سبب عدم کمک به موقع متعهدان ایرانی به هلندی‌ها شد. عوامل مطرح شده به همراه آشفتگی‌های سیاسی و اجتماعی در ایران سبب شد تا راهزنان و آشوبگران از فرصت استفاده نمایند و برای تحکیم موقعیت خود در برابر حکومت مرکزی با غارت تجار و نمایندگی‌های اروپایی برای خود موقعیتی مناسب دست و پا کنند میرمهنّا پس از تصرف جزیره خارک بر موقعیت خود افزود، شورش و خودسری او باعث شد تا کریم خان مصمم به سرکوب او شود، بنابراین زکی خان را مأمور سرکوبی او نمود. زکی خان میرمهنّا را در جزیره خارک محاصره کرد، نزدیکان او از ترس جان و مال خود درصدد برآمدند تا او را به قتل برسانند، سرانجام میرمهنّا چون از توطئه قتل خویش آگاه شد از جزیره خارک گریخت و به بصره پناه برد حاکم بصره که دل خوشی از او نداشت او را دستگیر و اعدام کرد. (۱۷۶۸م/ ۱۱۸۲ق)^{۴۵}

مهمترین آثاری که از هلندی‌ها در جزیره خارک باقی مانده و یادگار اقامت آنها در این جزیره است قلعه مستحکم هلندی و خانوارهای هلندی است که در طول تجارت هلندی‌ها از دوره صفویه تا عصر زندیه در طول سواحل خلیج فارس و جزیره خارک باقی مانده است.^{۴۶}

نتیجه

هلندی‌ها پس از استقلال از پرتغال و اسپانیا با تأسیس «کمپانی هند شرقی هلند» به تجارت دریایی با کشورهای مشرق زمین پرداختند آنها در عصر شاه عباس اول توانستند امتیازات اقتصادی و معافیت‌های گمرکی زیادی بدست آورند. در عصر شاه صفی بر موقعیت سیاسی و تجاری خود افزودند به طوری که توانستند انحصار تجارت ابریشم را در دست گیرند.

این موفقیت تجاری تا پایان عصر صفویه (قرن هفدهم) ادامه یافت، اما با سقوط دولت صفویه هلندی‌ها زیان‌های زیادی متحمل شدند. در عصر افشاریه بر موقعیت تجاری آنها لطمات



زیادی وارد شد، و پایگاه های تجاری آن تنها به بوشهر، مسقط و بصره منحصر شد. این روند تا عصر زندیه ادامه یافت و آنها نتوانستند در عصر زندیه امتیازات اقتصادی قابل توجهی کسب نمایند. بنابراین با رونق گرفتن بصره این بندر بزرگترین پایگاه اقتصادی و تجاری آنها شد. اختلافات «هاوزن» رئیس نمایندگی کمپانی هند شرقی هلند با حاکم بصره سبب زندانی شدن و اخراج او از بصره شد. هاوزن پس از آزادی از زندان با کمک پایگاه استعماری «باتاویا» خارک را تصرف نموده تا از این طریق بصره را از رونق انداخته و انتقام خود را از آنها بگیرد. پایگاه خارک از این زمان تا سقوط آن توسط میر مهنا دوازده سال در اختیار هلندی ها بود. هلندی ها در طی این زمان تأسیسات زیادی بنا نهادند و تجارت خلیج فارس را دست گرفتند، پیدا شدن سر و کله میر مهنا خواب آرام هلندی ها را بر هم زد و هلندی ها برای همیشه از خلیج فارس خارج شدند. میر مهنا تنها عامل سقوط هلندی ها نبود، قدرت گرفتن انگلیسی ها، ناتوانی هند شرقی هلند در سازمان دهی مالی و نظامی، ضعف نیروی دریایی هلند، عدم پشتوانه نظامی هلندی ها در خلیج فارس سبب ناکامی نهایی هلندی ها شده است.

پی‌نوشت‌ها

۱. ناصر تکمیل همایون، اهداف استیلا گرایانه در تغییر نام خلیج فارس، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی خلیج فارس، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۵، ص ۲۱۵-۲۱۴.
۲. محمد کریم یوسف جمالی، تاریخ تحولات ایران عصر صفوی از شیخ صفی تا شاه عباس اول، انتشارات دانشگاه آزاد نجف آباد، ۱۳۸۵، ص ۴۹۵-۴۶۲.
۳. راجر سیوری، ایران عصر صفوی، ترجمه کامبیز عزیزی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۲، ص ۲۱۵-۲۱۰.
۴. جرج. ن. کرزن، ایران و قضیه ایران، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳، ج ۲، ص ۴۷۹.
۵. نصرالله فلسفی، زندگانی شاه عباس اول، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۴، ج پنجم، ص ۲۱۶-۲۰۷.
۶. نخستین کاشف دریایی مشرق زمین بار تلمی دیاز (Barthelomydeyaz) بود که در سال ۱۴۹۲ ق/ ۱۴۸۶ م وارد اقیانوس هند شد. دوازده سال پس از او در سال ۱۵۹۸ م واسکودوگاما توانست پایگاههای استعماری در هند برای پرتغال ایجاد نماید. در سال ۱۵۰۶ م. به دستور دولت پرتغال دریانوردی بنام ترستان داکونا (Tristan dacunna) مأمور تصرف هندوستان شد. در این سفر آلفونسو دالبو کرک معاون او بود. این فرد یکسال بعد توانست جزیره هرمز را تصرف نماید. این اقدام دالبوکرک آغاز سیاست استعماری مغرب زمین در خلیج فارس محسوب می شود. برای مطالعه بیشتر در این زمینه ن. ک: راجر سیوری و جی. بی. کلی، خلیج فارس از دوران باستان تا اواخر قرن ۱۸ میلادی، ترجمه حسن زنگنه، انتشارات مرکز بوشهرشناسی، ۱۳۷۷، ص ۴۲ و



Sir Arnold Wilson, *the Persian golf* (Oxford, 1928), p.1.

دربارهٔ مأموریت آلفونسو دالبو کرک به خلیج فارس نگاه کنید به

R.B. Serjent: *the portuguese off the south Arabian coast* (Oxford, 1963), p.2.

۷. کرزن، *ایران و قضیهٔ ایران*، ج ۲، ص ۶۵۵.

۸. همان ۶۵۵ و ویلم فلور، *هلندیان در جزیرهٔ خارک*، ترجمهٔ ابوالقاسم سری، توس، تهران، ۱۳۷۱، ص ۶. نام اختصاری کمپانی هند شرقی هلند واک (VOC) بوده است.

۹. عبدالحسین نوایی، *ایران و جهان*، نشر هما، تهران، ۱۳۶۶، ج ۲، ص ۲۷۳.

۱۰. همان، ص ۲۷۵.

۱۱. ویلم فلور، *اولین سفرای ایران و هلند*، ترجمهٔ داریوش مجلسی و حسین ابوترابی، طهوری تهران، ۱۳۵۶، ص ۲۳.

۱۲. نوایی، همان، ص ۲۹۳-۲۸۲.

۱۳. همان، ص ۲۹۳-۱۴.

۱۴. در سال ۱۶۳۶ میلادی دوک هلشتاین به منظور تجارت ابریشم هیئت مفصلی مرکب از اعیان، تجار و درباریان این ایالت به ایران فرستاد، هدف و مأموریت این گروه بررسی اوضاع ایران به منظور تجارت ابریشم و صادرات آن به اروپا و ایالت هلشتاین بود. ریاست هیئت بر عهدهٔ «اتوبروگمان» و منشی آن الئاریوس بوده که به زبان های فارسی و ترکی آشنایی داشت مجموع نفرات هیئت آلمانی یکصد و بیست و شش تن بودند که از طریق مسکو و دریای خزر وارد ایران شدند. هیئت در طول اقامت نتوانست به موفقیتی دست یابد زیرا هلندی که به محض اطلاع از موضوع مأموریت آنها قیمت ابریشم را بالا بردند. با توجه به شرایط به وجود آمده هیئت تجارت ابریشم را به نفع ایالت هلشتاین ندانست. بنابراین این گروه بدون موفقیتی به سرزمین خود بازگشت. مهمترین عامل شکست این هیئت انحصارطلبی هلندی‌ها در تجارت ابریشم بوده است.

الئاریوس، *سفرنامهٔ مسکو و ایران*، ترجمهٔ احمد بهپور، ابتکار، تهران، ۱۳۶۳، مقدمه.

۱۵. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، *روابط خارجی ایران از صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم*، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۵، ص ۱۱۷-۱۱۵.

۱۶. سانسون، *سفرنامه*، (وضع کشور ایران در عهد شاه سلیمان)، ترجمهٔ محمد مهریار، اصفهان، ۱۳۷۷، ص ۱۲۰.

۱۷. عبدالرضا، هوشنگ مهدوی، همان، ص ۱۲۶.

۱۸. نوایی، همان، ص ۳۰۱.

۱۹. لارنس لکهارت، *اتراض سلسلهٔ صفویه و برآمدن افغانها در ایران*، ترجمهٔ مصطفی قلی عماد، قطره، تهران،

۱۳۷۳، ص ۶۶۷-۶۶۰.

۲۰. همان، ص ۶۶۸-۶۶۷.

۲۱. رضا شعبانی، *تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه*، قومس، ۱۳۶۵، ج ۱، ص ۴۷۵-۴۷۴.

۲۲. همان، ص ۴۷۶.

۲۳. عبدالرضا هوشنگ مهدوی، همان، ص ۱۸۱.

۲۴. لرد کرزن، همان، ص ۴۸۶.

۲۵. نوایی، همان، ص ۶۵.

۲۶. ویلم فلور، *اختلاف تجاری ایران و هلند و بازرگانی هلند در عصر افشاریان و زندیان*، ترجمهٔ ابوالقاسم سری،

توس، تهران، ۱۳۷۱، ص ۱۸۵-۱۵۵.



۲۷. کارستن نیبور، *سفرنامه نیبور*، ترجمه پرویز رجبی، انتشارات توکا، تهران، ۱۳۵۴، ص ۱۷۱-۱۷۲. نیبور در زمان تسلط میرمهنا بر جزیره خارک در این جزیره حضور داشت، بنابراین گزارش‌های او درباره کمپانی هند شرقی هلند و نفوذ آن در خلیج فارس از اهمیت زیادی برخوردار است.
۲۸. نوایی، همان، ص ۶۰۵.
۲۹. رضا شعبانی، *تاریخ تحولات سیاسی و اجتماعی ایران در عصر افشاریه و زندیه*، سمت، تهران، ۱۳۸۰، ص ۱۹۳.
۳۰. هوشنگ مهدوی، ص ۱۸۱.
۳۱. کرزن، همان، ص ۲۸۸.
۳۲. فلور، هلندی‌ها در جزیره خارک، ص ۲۹-۳۲.
۳۳. همان، ص ۳۰-۳۳.
۳۴. کرزن، همان، ص ۴۸۶.
۳۵. جان پری، *کریم خان زند*، ترجمه علی محمد ساکی، انتشارات فراز، تهران، ۱۳۶۵، ص ۳۷۶-۳۷۸.
۳۶. نوایی، همان، ص ۴۸۶.
۳۷. نیبور، *سفرنامه*، ص ۱۷۰.
۳۸. عبدالحسین نوایی، *کریم خان زند*، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، تهران، ۱۳۷۶، ص ۷۷.
۳۹. میرزا محمد صادق موسوی نامی اصفهانی، *تاریخ گیتی‌گشا* با مقدمه سعید نفیسی، اقبال، تهران، ۱۳۶۳، ص ۱۶۲-۱۶۱ نامی درباره اصل و نسب میرمهنا می‌نویسد: امیرمهنا و غائی ولد میرناصر از مشایخ بندر ریگ، ص ۱۶۱.
۴۰. نوایی، *کریم خان زند*، ص ۷۷.
۴۱. نوایی، همان، ص ۷۹-۷۸.
۴۲. *تاریخ گیتی‌گشا*، ص ۱۶۴.
۴۳. عبدالرضا، *هوشنگ مهدوی*، همان، ص ۱۸۱.
۴۴. نوایی، *ایران و جهان*، همان، ص ۶۵.
۴۵. نوایی، *کریم خان*، ص ۷۹-۸۰.
۴۶. همان، *ایران و جهان*، ج ۲، ص ۶۰۵-۶۰۶.

منابع

- الثاریوس، *سفرنامه مسکو و ایران*، ترجمه احمد بهپور، ابتکار، تهران، ۱۳۶۳.
- پری، جان، *کریم خان زند*، ترجمه علی محمد ساکی، انتشارات فراز، تهران، ۱۳۶۵.
- تکمیل همایون، ناصر، *اهداف استیلاگرایی در تغییر نام خلیج فارس*، مجموعه مقالات همایش بین‌المللی خلیج فارس، دانشگاه اصفهان، ۱۳۸۵.
- سانسون، *سفرنامه*، ترجمه محمد مهریار، خاور، اصفهان، ۱۳۳۷.
- سیوری، راجر، *خلیج فارس، از دوران باستان تا اواخر قرن ۱۸ میلادی*، ترجمه حسن زنگنه، نشر مرکز، قم، ۱۳۷۷.
- سیوری، راجر، *ایران عصر صفوی*، ترجمه کامبیز عزیزی، نشر مرکز، تهران، ۱۳۷۲.
- شعبانی، رضا، *تاریخ اجتماعی ایران در عصر افشاریه*، قومس، تهران، ۱۳۶۵.
- شعبانی، رضا، *تاریخ تحولات سیاسی، اجتماعی ایران در عصر افشاریه و زندیه*، انتشارات سمت، تهران، ۱۳۸۰.
- فلور، ویلم، *اولین سفرای ایران و هلند*، ترجمه داریوش مجلسی و حسین ابوترابیان، طهوری، تهران، ۱۳۵۶.



- فلور، ویلم، *هلندیان در جزیره خارک*، ترجمه ابوالقاسم سری، توس، تهران، ۱۳۷۱.
- فلور، ویلم، اختلاف تجاری ایران، و هلند و بازرگانی هلند در عصر افشاریه و زندیه، ترجمه ابوالقاسم سری، توس، تهران، ۱۳۷۱.
- فلسفی، نصرالله، *زندگانی شاه عباس اول*، دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۴.
- کرزن، جرج، ن، *ایران و قضیه ایران*، ترجمه غلامعلی وحید مازندرانی، علمی و فرهنگی، تهران، ۱۳۷۳.
- لکه‌هارت لارنس، *انقراض سلسله صفویه و برآمدن افغان‌ها در ایران*، ترجمه مصطفی قلی عماد قطره، تهران، ۱۳۷۲.
- نوایی، عبدالحسین، *ایران و جهان*، نشر هما، تهران، ۱۳۶۶.
- نوایی، عبدالحسن، کریم خان زند، شرکت سهامی کتاب‌های جیبی، تهران، ۱۳۷۶.
- نامی اصفهانی، میرزا محمد صادق، *تاریخ گیتی‌گشا* با مقدمه سعید نفیسی، اقبال، تهران، ۱۳۶۳.
- نیبور، کارستن، *سفرنامه*، ترجمه پرویز رجبی، نشر توکا، تهران، ۱۳۵۴.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا، *روابط خارجی ایران از صفویه تا پایان جنگ جهانی دوم*، امیرکبیر، تهران، ۱۳۷۵.
- یوسف جمالی، محمد کریم، *تاریخ تحولات ایران در عصر صفوی*، انتشارات دانشگاه آزاد نجف آباد، نجف آباد، ۱۳۸۵.

- Sir Arnold Wilson, *The Persian Gulf* (oxford, 1928).

- R.B.serjent, *the Portuguese off the south Arabian coast* (oxford, 1903).

The attendant of Dutch's in Persian Gulf and the role of Mirmohana in their exit